

فرا تحلیل عوامل و موانع موثر بر خصوصی سازی ورزش در ایران

لیلا کرم زاده^۱
محمد نصیری^۲

 10.22034/SSYS.2022.1991.2411

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱۸

پژوهش حاضر باهدف ارائه یک فراتحلیل از عوامل و موانع موثر بر خصوصی سازی ورزش در ایران انجام شد. روش تحقیق از نوع توصیفی و فراتحلیل بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه منابع چاپ شده در بازه زمانی دهه اخیر از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ بود. از بین تحقیقات گزارش شده، تعداد ۱۵ منبع به شیوه تمام شماری به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزارهای CMA2 و SPSS24 انجام گرفت. نتایج فراتحلیل نشان داد اندازه اثر ترکیبی با مدل اثرات تصادفی برای موانع خصوصی سازی برابر ۰/۲۹۵ و برای عوامل موثر در خصوصی سازی برابر ۰/۷۲۶ است که هر دو مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و طبق طبقه بندی کوهن به ترتیب نشانگر اندازه اثر کوچک و بزرگ هستند. نتایج آزمون کوکران و مجذور I نشان دهنده ناهمگنی بالا در مطالعات بود. همچنین آزمون ایمن از خطای روزنتال، بررسی خطای سوگیری انتشار نمودار قیفی و عرض از مبدا رگرسیون ایگر نشان دهنده عدم سوگیری انتشار در مطالعات بودند. از بین عوامل، متغیر مدیریتی با اندازه اثر ۰/۸۰۲ و از بین موانع، متغیر اقتصادی با اندازه اثر ۰/۴۳۸ بیشترین تاثیر را بر خصوصی سازی ورزش کشور داشتند.

از آنجاکه موضوع خصوصی سازی از مباحث بسیار پیچیده و چندوجهی است، استفاده از مشاوران ورزشی -

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

۲. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسئول)

• فراتحلیل عوامل و موانع موثر بر خصوصی‌سازی ورزش در ایران

اقتصادی قوی و مجرب می‌تواند زمینه‌های خصوصی‌شدن ورزش کشور را فراهم کند. برای سرعت بخشیدن به روند خصوصی‌سازی، تنظیم قوانین و مقررات روشن و شفاف مرتبط با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی ورزش می‌تواند بسیار موثر و مفید باشد.

واژگان کلیدی: خصوصی‌سازی، موانع، عوامل و فراتحلیل.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در چند دهه اخیر پیش روی اقتصاددانان و دولت‌مردان قرار گرفته، بحث خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت است (احمدی و نودهی، ۱۳۹۹: ۲۱۷). دیک و اولیویر^۱ (۲۰۱۰) خصوصی‌سازی را یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و دیگر بخش‌های اقتصادی باهدف ایجاد رقابت کامل و حصول بیشتر کارایی اقتصادی اجتماعی تعریف می‌کنند. بلتراتی، بارتولوتی و کاکاویو^۲ (۲۰۱۶) عقیده دارند که مالکیت دولتی وسیع، به‌ویژه در کشورهای توسعه‌نیافته، توسعه نظام مالی را کند و رشد اقتصادی را محدود می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که وجود بخش دولتی، تأمین و تولید اثربخش خدمات و کالاها را با دشواری مواجه می‌سازد، درحالی‌که بخش خصوصی به دلیل وجود رقابت و برخورداری از هدف‌ها، مدیریت، ساختار و نیروی انسانی کاملاً متفاوت قادر است با کارایی بسیار بالا به تأمین و تولید کالاها و خدمات بپردازد. علاوه بر کارایی بالای بخش خصوصی به دلیل مزایای حاکم بر آن شامل تخصص‌گرایی، صرفه‌جویی در مقیاس، استفاده از تجربیات گذشته، ساختار عملکرد گرا، انعطاف‌پذیری و سرعت در تصمیم‌گیری‌ها، توانایی توسعه روابط بر اساس اعتماد و سود متقابل، ساختارهای تخت و مؤثر، برخورداری از سیستم ارزیابی عملکرد به منظور ارتقای کیفیت، توانایی تخصیص منابع و مدیریت ریسک به ایجاد سینرژی‌های مؤثر و مثبت در اقتصاد می‌انجامد (محرّم زاده، غایب زاده و توکلی، ۱۳۹۴: ۷۹). کشور ما نیز در جمع کشورهای است که از طرفداران خصوصی‌سازی می‌باشد. در این راستا حرکت‌هایی در صنایع مختلف صورت گرفته است که صنعت ورزش نیز از این مقوله مستثنی نیستند (کشگر و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در سال‌های اخیر ابلاغ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی که از آن به‌عنوان تحول اساسی در عرصه‌های اجرایی و اقتصادی کشور یاد می‌شود نیز به‌عنوان یک الزام قانونی، توجه همگان را به خصوصی‌سازی در حوزه ورزش کشور جلب نموده است (امیری، نیری، صفاری و دلبری، ۱۳۹۲: ۱۰۱). محققان اعتقاد دارند که راهکار مناسب برای مقابله با شرایط اقتصادی بسیار دشواری که صنعت ورزش را احاطه کرده، خصوصی‌سازی آن است. خصوصی‌سازی صنعت ورزش موجب خواهد شد تا دولت با کاهش هزینه‌هایی که هم‌اکنون گریبان‌گیر آن است، منابع صرفه‌جویی شده را در بخش‌های زیربنایی صنعت ورزش سرمایه‌گذاری کند (احمدی، امیرتاش و صفانیا، ۱۳۹۷: ۵۶). ورزش و اقتصاد با یکدیگر در تعامل‌اند؛ به‌طوری‌که دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی با سرمایه‌گذاری در ورزش می‌توانند از منابع بسیار بهره‌مند شوند (کشاورز، فراهانی، موسوی جهرمی و فرازیانی، ۱۳۹۴: ۵۱). بررسی ادبیات خصوصی‌سازی در امر ورزش نشان می‌دهد که به‌تقریب تمام کشورهای دنیا برای نقش و جایگاه خصوصی‌سازی در بخش ورزش، اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. به‌طورکلی دولت‌ها اقدام‌هایی را در این راستا انجام داده‌اند که نتایج آن مثبت بوده است (قره‌خانی، سیف‌پناهی و فولادی حیدرلو، ۱۳۹۴: ۶۲). بخش خصوصی ورزش می‌تواند نقش مؤثری در

1. Dick & Olivier

2. Beltratti, Bortolotti & Caccavaio

توسعه ورزش همگانی، قهرمانی و همچنین اهدافی از قبیل اشتغالزایی و افزایش بهره‌وری از اماکن و تجهیزات ورزشی داشته باشد. امروزه تأسیسات دولتی ورزشی از لحاظ کارایی عملیاتی و عملکرد مالی در حد کمتر از مطلوب هستند و چندان دلخواه عموم جامعه نمی‌باشند (عسکریان و صدقی، ۱۳۹۳: ۷۷). از این رو، بسیاری از تأسیسات ورزشی که کاملاً در مالکیت دولت هستند و به شکل دولتی اداره می‌شوند، با کمبود بودجه مواجه می‌گردند. این وضعیت سبب حذف یا کاهش خدمات و رویدادهای ترتیب داده‌شده به وسیله این مؤسسات شده است. از این رو، سازمان‌هایی از جمله وزارت ورزش و جوانان، که متولی امر ورزش در کشور می‌باشد برای پیشبرد اهداف ورزشی به سازمان‌های خصوصی روی آورده‌اند که دارای سرمایه‌گذاری بهتر و بیشتر نسبت به سازمان‌های دولتی می‌باشند (خسروی زاده، بهرامی و حقدادی، ۱۳۹۳: ۲۱۷). روند خصوصی‌سازی ورزش در ایران مسئله پیچیده‌ای شده است. لذا محققان متعددی به مطالعه عوامل و موانع خصوصی‌سازی ورزش کشور پرداخته‌اند.

برخی از محققان معتقدند که تحول اقتصادی در ساختار باشگاه‌ها متناسب با خصوصی‌سازی، تقویت، آزادسازی و گسترش بازار سرمایه می‌تواند تاثیر مثبتی بر روند خصوصی‌سازی داشته باشد (رضوی، چوپانکاره، اسماعیلی و افشاری، ۱۳۹۸: ۸۸) و برخی دیگر معتقدند که خصوصی‌سازی ورزش نیازمند حل مشکلات اقتصادی، ایجاد فضای رقابتی و خداحافظی با مالکیت دولتی است (محمدی مغانی و قره‌خانی، ۱۳۹۷: ۳۷۹). در حالی که برخی دیگر از تحقیقات حاکی از آن است که انسجام سیاسی - اجتماعی، حاکمیت قانون، قدرت دولت و مشارکت سیاسی مهمترین مؤلفه‌های خصوصی‌سازی ورزش می‌باشد. (محمدی مغانی، کاشف، هنری و قره‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۸). همچنین کشاورز، فراهانی، موسوی جهرمی و فرازبانی (۱۳۹۴) نشان دادند که عوامل تاثیرگذار بر رفتار بخش خصوصی در ورزش حرفه‌ای ایران شامل ۹ عامل مدیریتی و اجرایی، بازاریابی و ویژه ورزش، مرتبط با اقتصاد، رسانه‌ای و تبلیغاتی، حمایتی، فرهنگی، سیاسی و قانونی می‌باشد. برخی از محققان معتقدند که واگذاری باشگاه‌های فوتبال به بخش خصوصی در شرایط موجود، تقریباً محکوم به شکست است و مهمترین تهدید برای واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران به بخش خصوصی عدم برخورداری از مؤلفه‌های درآمدزایی می‌باشد (نصیرزاده و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). همچنین عدم برنامه‌ریزی مناسب، عدم برخورداری از حق پخش تلویزیونی و عدم ایجاد زیرساخت‌های مناسب (سلطان حسینی، رضوی و سلیمی، ۱۳۹۶: ۲۹) و عدم رعایت حقوق مالکیت معنوی باشگاه‌های حرفه‌ای جزو موانع خصوصی‌سازی صنعت ورزش فوتبال در ایران بیان گردید. (دلدار، کارگر و غفوری، ۱۳۹۳: ۱۱۳). همچنین زارع، بابائیان، مرادی و حسینی (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌های موجود در روند خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال کشور» نشان دادند که خصوصی‌سازی بدون برنامه، مهم‌ترین چالش سیاسی - حقوقی؛ اهمیت کم ورزش در مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی، مهم‌ترین چالش اجتماعی فرهنگی و ناکافی بودن تسهیلات اعطایی ویژه از سوی دولت به بخش خصوصی، مهم‌ترین چالش فناورانه در روند خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال کشور می‌باشد. همچنین آزادی، عیدی و امیری (۱۳۹۳) معتقدند که باشگاه‌های فوتبال ایران بیشتر

هزینه‌ها هستند و در صورت نبود کمک‌های دولتی، قادر به ادامه حیات نیستند و معتقدند مادامی که مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران برطرف نشوند و آزادسازی اقتصادی انجام نگیرد، امر خصوصی‌سازی صورت نمی‌گیرد. همچنین برخی از محققان موانع مدیریتی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و قانونی حقوقی (محرم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹ و خسروی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۸) و برخی عدم وجود قوانین و مقررات مورد نیاز خصوصی‌سازی را مهمترین مانع برای اجرای طرح خصوصی‌سازی اماکن و فضاها و ورزشی بیان نمودند (نادریان جهرمی و مصلحی، ۱۳۹۴: ۲۹). بعضی دیگر موانع بانکی را مهم‌ترین مانع خصوصی‌سازی ورزش برشمردند (عسکریان و صدقی، ۱۳۹۳: ۷۹) و از رقابت غیرمستقیم دولت با بخش خصوصی، مقاومت مدیران نسبت به کاهش تصدی دولت به سبب وابستگی شان به بخش دولتی، فقدان امنیت سرمایه‌گذاری در کشور و استفاده دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی را به عنوان موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش برشمردند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). همچنین علیدوست قهفرخی، جلالی فراهانی، گودرزی و نادران (۱۳۹۲) وجود ابهام در واگذاری و ترس از تغییر در مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی، عدم تمایل مسئولان و مدیران دولتی به کاهش حیطه نظارت یا مدیریت آن‌ها، عدم شناخت فرهنگ ورزش حرفه‌ای در میان مسئولان و مدیران باشگاه‌های ورزشی، عدم اعتقاد برخی مسئولان و دولت‌مردان به کارایی بخش خصوصی در ورزش را از موانع خصوصی‌سازی دانستند. احمدی و نودهی (۱۳۹۹) ۶ مؤلفه الزام اجرایی قبل از خصوصی‌سازی ورزش را به‌روز کردن طرح جامع ورزش، توانمندسازی بخش خصوصی، نیروی انسانی توانمند، نظارت و کنترل، تشکیلات و ساختار و خدمات بیان کردند و یادآور شدند که قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی باید به مؤلفه‌های الزام اجرایی توجه گردد تا فرایند خصوصی‌سازی بتواند با شرایط مطلوبی انجام گیرد. در این تحقیق فراتحلیلی با بررسی چندین مقاله که درباره عوامل و موانع خصوصی‌سازی ورزش در ایران نوشته شده است، باهدف شناخت هر چه بیشتر و بهتر این عوامل و موانع ارائه شده است. در فراتحلیل ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج می‌شوند. سپس با استفاده از روش‌های آماری با یکدیگر ترکیب می‌گردند و بالاخره یک کل جدید به دست می‌آید. پژوهشگر در روش‌های فراتحلیل، ویژگی‌ها و داده‌های پژوهش‌های قبلی را به شکل کمی ثبت می‌کند و بعد با ترکیب نتایج تحقیقات قبلی، به یک نتیجه کلی می‌رسد (هومن، ۱۳۹۲: ۲۸). مشکل دیگر این است که نتایج برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه عوامل و موانع خصوصی‌سازی ورزش در ایران، کاملاً همسو نیستند. به همین دلیل، بررسی و مقایسه نتایج آن‌ها با یکدیگر کاری دشوار و محال می‌باشد. تفاوت در روش‌های تحقیق گوناگون و ابزارهای اندازه‌گیری متفاوت موجب می‌شوند که پژوهشگر نتواند یافته‌ها را به‌درستی مقایسه کند و در این حالت پژوهشگر ممکن است نیاز داشته باشد که فرایند بازنگری تصحیح شود، چراکه مطالعه تحقیقات قبلی به شکل کیفی دارای اشکال‌هایی است. لذا به یک روش منظم همچون روش فراتحلیل نیاز است تا با استفاده از نتایج پژوهش‌های قبلی انجام‌شده، آن‌ها را مورد تفسیر و ارزش‌یابی قرار دهد و یک نتیجه کلی به دست آید. بنابراین فراتحلیل، مجموعه‌ای از روش‌های آماری است که برای یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های آزمایشی و همبستگی که هرکدام به‌طور مستقل درباره یک

موضوع یکسان انجام گرفته اند، به کار می رود و پیش فرض این است که هرکدام از پژوهش ها برآورد متفاوتی از پارامترهای جامعه و روابط بین متغیرها را نشان می دهند که با تجزیه و تحلیل این یافته ها، برآورد دقیق تری از جامعه به دست می آید (هومن، ۱۳۹۲: ۳۱). با توجه به اهمیت عوامل و موانع خصوصی سازی ورزش در ایران، تحقیقات نسبتاً زیادی در این زمینه صورت گرفته است. با این حال نتایج حاصل از پژوهش های انجام شده گاهی هماهنگ و یکدست نمی باشد. همچنین، میزان اندازه اثر هر یک از متغیرهای عوامل و موانع خصوصی سازی ورزش در ایران مشخص نیست. به همین جهت پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش مرور نظام مند و فراتحلیل وضعیت کلی پژوهش در این زمینه و میزان اثر هرکدام از عوامل را مورد بررسی قرار دهد تا از طریق ترکیب و مقایسه مطالعات منفرد، نتایج کلی و ملموس تری در این زمینه حاصل شود. لذا با توجه به آمارهای موجود و گاهی نتایج غیرهمسو در تحقیقات و مطالعات قبلی و از همه مهم تر نبود فراتحلیل هایی در زمینه بررسی عوامل و موانع خصوصی سازی ورزش در ایران، اهمیت و ضرورت تحقیق در این زمینه آشکارتر می شود.

روش شناسی پژوهش

حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل همه پژوهش های انجام شده (پایان نامه ها، طرح های پژوهشی و مقالات) در داخل ایران در زمینه عوامل و موانع خصوصی سازی ورزش ایران از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۹ بود. برای انتخاب پژوهش های مورد نظر، همه بانک های اطلاعات علمی ایران شامل ایران داک، سایت جهاد دانشگاهی، پرتال علوم انسانی، سایت مگ ایران، کتابخانه ملی و همچنین سایت های گوگل و گوگل اسکولار جست و جو شدند. کلیدواژه های جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی اینترنتی شامل اصطلاحات «عوامل خصوصی سازی ورزش ایران» و «موانع خصوصی سازی ورزش ایران» بودند. نتیجه جست و جو شامل ۱۷۶ پژوهش بود.

در انتخاب حجم نمونه نهایی سعی شد از تحقیقاتی که دارای اعتبار کافی هستند، استفاده شود. پس از شناسایی پژوهش ها، مرحله غربالگری انجام شد و پژوهش هایی که شرایط ورود به فراتحلیل را نداشتند، کنار گذاشته شدند. در این مرحله، نخست همه پژوهش های تکراری و غیر مرتبط کنار گذاشته شدند. منظور از تحقیقات تکراری شامل تحقیقاتی می شد که با یک عنوان و به وسیله همان محققان در سایت های مختلف بیان شده بودند و یا اینکه یک تحقیق مشابه هم به صورت پایان نامه و هم به صورت مقاله بود که در این صورت به جهت اعتبار بیشتر مقاله ها، داده های این نوع سند علمی در فراتحلیل قرار داده می شد و منظور از تحقیقات غیر مرتبط شامل آن دسته از تحقیقاتی می شد که معیارهای لازم از نظر روش شناسی (برای مثال، فرضیه سازی، روش تحقیق مناسب، حجم نمونه، روش نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، رویایی و پایایی ابزار اندازه گیری، روش تحلیل آماری و صحیح بودن محاسبات آماری) برای ورود به فراتحلیل را نداشتند. همچنین، سه ملاک اصلی زیر نیز جهت وارد کردن پژوهش ها به فراتحلیل مدنظر قرار گرفت: ۱- پژوهش ها در مورد موانع و عوامل

موثر در خصوصی سازی ورزش ایران باشد؛ ۲- پژوهش ها و فرضیه های آزمون شده از طریق روش آزمایشی یا شبه آزمایشی، نیمه تجربی و توصیفی انجام شده باشند؛ ۳- اطلاعات لازم برای محاسبه اندازه اثر در هر پژوهشی موجود باشد. پس از حذف تحقیقات تکراری، تعداد تحقیقات به ۲۲ تحقیق رسید و ۷ تحقیق نیز به دلیل نبود شاخص های آماری لازم جهت محاسبه اندازه اثر کنار گذاشته شدند و حجم نمونه نهایی تحقیق به ۱۵ تحقیق کاهش یافت. از این پژوهش ها تعداد ۸۶ فرضیه پژوهشی استخراج شد که از ۸۶ فرضیه آزمون شده، ۴۰ فرضیه مربوط به موانع خصوصی سازی و ۴۶ فرضیه مربوط به عوامل موثر در خصوصی سازی بود. به همین دلیل همه تحقیقات در یک فایل در نرم افزار CMA2 وارد شدند، ولی تحلیل به صورت جداگانه برای هر دو طبقه متغیر مستقل صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده به صورت جداگانه از نرم افزارهای SPSS و CMA2 استفاده شد. از نرم افزار CMA2 جهت محاسبه اندازه اثر و ترکیب احتمالات و از نرم افزار SPSS جهت به دست آوردن فراوانی و مقایسه میانگین های به دست آمده از اندازه اثر گروه های ذکر شده در فرضیه ها و سؤالات پژوهش استفاده شد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

در این بخش نخست ویژگی های نمونه تحقیق که شامل تحقیقات انجام شده در زمینه عوامل و موانع خصوصی سازی ورزش ایران است، ارائه گردید. بعد از مطالعه دقیق ۱۵ تحقیق مورد نظر برای این پژوهش فراتحلیل، مشخصات کتاب شناختی و روش شناختی تحقیقات شامل کد تحقیق، نام محققان، سال چاپ، روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، روش آماری و حجم نمونه در جدول ۱ آورده شد:

جدول ۱: کد تحقیق، اسامی محققان، سال چاپ، مشخصات روش شناختی و آماری پژوهش ها

کد تحقیق	اسامی محققان و سال چاپ	روش تحقیق	جامعه آماری	روش نمونه گیری	حجم نمونه
۱	احمدی و نودهی (۱۳۹۹)	کیفی- کمی	صاحب نظران و سرمایه گذاران و مدیران ورزش	هدفمند	۱۴۳
۲	محمدی و قره خانی (۱۳۹۷)	آمیخته- اکتشافی	متخصصان دانشگاهی و افراد خبره	گلوله برفی و هدفمند	۲۲۲
۳	احمدی، امیرتاش و صفانیا (۱۳۹۷)	آمیخته- اکتشافی	اساتید مدیریت ورزشی و متخصصان خصوصی سازی	قضایوتی و در دسترس	۱۹۸
۴	دلدار، توفیق و باقری (۱۳۹۵)	توصیفی- پیمایشی	مدیران عامل باشگاه ها، روسای کمیته ها، اساتید، خبرنگاران	تمام شماری	۱۷۳

۲۲۲	معادلات ساختاری	هدفمند و گلوله برفی	متخصصان دانشگاهی و مدیران کل استان ها	کیفی- کمی	محمدی، کاشف، هنری و قره خانی (۱۳۹۵)	۵
۱۵۰	مدل سازی معادلات ساختاری	تمام شماری	اعضای هیئت مدیره باشگاه های لیگ برتر و مدیران	اکتشافی	قره خانی، پناهی و فولادی (۱۳۹۴)	۶
۱۹۸	تحلیل عاملی	قضای	اساتید مدیریت ورزشی و متخصصان	آمیخته-اکتشافی	کشاورز، فراهانی، موسوی و فرازبانی (۱۳۹۴)	۷
۷۶	تحلیل عاملی	تمام شماری	کارشناسان ورزشی اداره ورزش و جوانان اردبیل	توصیفی-تحلیلی	محرم زاده، غایب زاده و توکلی (۱۳۹۴)	۸
۱۷۲	اسپیرمن و فریدمن	تصادفی	موسسان باشگاه ورزشی خصوصی آش	توصیفی-پیمایشی	عسکریان و صدقی (۱۳۹۳)	۹
۲۴۵	AHP-TOP- SIS-SAW	نامشخص	مدیران ورزشی فوتبال و استادان	توصیفی-پیمایشی	زارع، بابائیان، مرادی و حسینی (۱۳۹۳)	۱۰
۱۳۹	تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر	هدفمند	صاحب نظران و سرمایه گذاران خصوصی	کیفی-کمی	کشاورز، فراهانی، موسوی و فرازیانی (۱۳۹۳)	۱۱
۷۵	فریدمن و AHP	گلوله برفی	مدیران ارشد سازمان ها در لیگ حرفه ای	آمیخته	امیری، نیری، صفاری و دلبری (۱۳۹۲)	۱۲
۷۵	فریدمن	هدفمند و گلوله برفی	مدیران سازمان ها و لیگ حرفه ای	کیفی-اکتشافی	امیری، نیری، صفاری و دلبری (۱۳۹۱)	۱۳
۴۲	پیرسون و رگرسیون	تمام شماری	اساتید دانشگاه شهر تهران	توصیفی -همبستگی	کشکر و سلیمانی (۱۳۹۱)	۱۴
۱۵۰	فریدمن و دوجمله ای	تمام شماری	مدیران باشگاه های لیگ برتر و فدراسیون ها	توصیفی-پیمایشی	قره خانی، احسانی، کوزه چیان، خبیری، فولادی و نویخت (۱۳۹۰)	۱۵

همان گونه که مشاهده می شود بازه زمانی تحقیقات از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ را شامل می شود و بیشترین تعداد نمونه مربوط به سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳ با سه مورد است. براساس داده های جدول فوق اغلب پژوهش ها به صورت توصیفی-پیمایشی بوده است. نکته مهم در این زمینه، استفاده از دو روش کمی و کیفی در پژوهش های انجام شده است. روش نمونه گیری تحقیقات نیز به صورت هدفمند، گلوله برفی یا زنجیره ای و در دسترس بوده است. بعضی از تحقیقات هم به صورت تمام شماری یا سرشماری همه جامعه آماری را به عنوان نمونه انتخاب کرده اند. ابزار جمع آوری همه تحقیقات به صورت محقق ساخته و در طیف لیکرت بوده است و مقادیر پایایی

همه آنها قابل قبول و بیشتر از ۰/۷۰ بوده است. همان گونه که مشاهده می شود در کل ۲۲۸۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق در این ۱۵ تحقیق شرکت داشته اند. میانگین حجم نمونه برابر ۱۵۲ نفر، حداقل حجم نمونه ۴۲ نفر و حداکثر حجم نمونه هم ۲۴۵ نفر بوده است.

یافته های استنباطی

۸۶ عامل یا متغیر مستقل در دو گروه موانع یا عوامل موثر در خصوصی سازی مورد مطالعه قرار گرفتند. در جدول ۲ اندازه اثر ترکیبی (کلی)، حدود اطمینان، معنی داری مقادیر Z مرتبط با آنها در همه تحقیقات به دو صورت مدل ثابت و تصادفی در دو گروه موانع و عوامل موثر در خصوصی سازی ارائه شده است:

جدول ۲: اندازه اثر ترکیبی، فاصله اطمینان و معناداری عوامل و موانع موثر در خصوصی سازی

نوع مدل	تعداد فرضیه ها	برآورد نقطه ای	فاصله اطمینان ۹۵%		آزمون فرضیه صفر
			حد پایین	حد بالا	
عوامل	ثابت	۴۶	۰/۷۳۲	۰/۷۲۱	۰/۰۰۰۱
					۰/۷۲۶
موانع	تصادفی	۴۰	۰/۲۶۹	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰۱
					۰/۲۹۵

بر اساس نتایج جدول ۲، اندازه اثر ترکیبی عوامل موثر تحت مدل ثابت با برابر ۰/۷۳۲ و تحت مدل اثرات تصادفی برابر ۰/۷۲۶ است که طبق طبقه بندی کوهن شاهد اندازه اثر بزرگ در مطالعات مربوط به عوامل موثر در خصوصی سازی هستیم. همچنین بر اساس نتایج جدول فوق، اندازه اثر ترکیبی موانع موثر تحت مدل ثابت با برابر ۰/۲۶۹ و تحت مدل اثرات تصادفی برابر ۰/۲۹۵ است که طبق طبقه بندی کوهن شاهد اندازه اثر کوچک در مطالعات مربوط به موانع موثر در خصوصی سازی هستیم (نوغانی دوخت بهمنی و میرمحمد تبار، ۱۳۹۶: ۴۲)

پس از محاسبه میانگین اندازه اثر، بررسی ناهمگنی^۱ در اندازه های اثر است. یکی از روش های بررسی وجود ناهمگنی در داده ها، بررسی نتایج آزمون کوکران و مجذور I است. در جدول ۳، نتایج آزمون Q و مقدار مجذور I جهت بررسی ناهمگنی تحقیقات وارد شده به فراتحلیل آمده است:

جدول ۳: نتایج آزمون Q جهت بررسی ناهمگنی

مقدار Q	درجه آزادی (Q)	P	مجذور I
۱۴۱۳/۵۴	۴۵	۰/۰۰۰۱	۹۶/۸۱
۹۴۲/۴۸	۳۹	۰/۰۰۰۱	۹۵/۸۶

مقدار شاخص Q کوکران برای عوامل خصوصی سازی مساوی ۱۴۱۳/۵۴ و موانع خصوصی سازی برابر ۹۴۲/۴۸ بوده که هر دو مقدار در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است. این نتیجه نشان می دهد که تحقیقات وارد شده به فراتحلیل همگون نیستند و فرض همگونی بین تحقیقات رد می شود.

در جدول ۴ و ۵ میزان اندازه اثر ترکیبی متغیرهای مستقل تفکیک شده در دو طبقه عوامل و موانع بر متغیر متغیر وابسته خصوصی سازی نشان داده شده است:

جدول ۴: اندازه اثر انواع عوامل مختلف بر متغیر وابسته خصوصی سازی

کد عامل	نوع عامل یا متغیر	تعداد	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	مقدار Z	مقدار P
۱	مدیریتی	۱۰	۰/۸۰۲	۰/۶۷۱	۰/۸۸۴	۷/۴۱۸	۰/۰۰۰۱
۲	سیاسی - قانونی	۹	۰/۷۰۶	۰/۶۳۸	۰/۷۶۳	۱۳/۸۹۶	۰/۰۰۰۱
۳	اقتصادی	۸	۰/۵۱۰	۰/۲۰۳	۰/۷۲۶	۳/۰۹۱	۰/۰۰۰۲
۴	رسانه و تبلیغات	۴	۰/۷۴۰	۰/۴۹۸	۰/۸۷۵	۴/۶۱۶	۰/۰۰۰۱
۵	فرهنگی - اجتماعی	۴	۰/۷۲۱	۰/۶۳۲	۰/۷۹۲	۱۰/۷۵۲	۰/۰۰۰۱
۶	سایر عوامل	۱۱	۰/۷۸۲	۰/۶۸۶	۰/۸۵۲	۹/۷۴۵	۰/۰۰۰۱

همان گونه که نتایج جدول ۴ نشان می دهد به ترتیب عوامل مدیریتی، سایر عوامل، رسانه و تبلیغات، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - قانونی و اقتصادی بیشترین اندازه اثر را در بین انواع عوامل موثر بر خصوصی سازی را به خود اختصاص داده اند و همه این عوامل معنی دار بودند.

در جدول ۵ اندازه اثر انواع موانع مختلف بر خصوصی سازی ارائه شده است:

جدول ۵: اندازه اثر انواع موانع مختلف بر متغیر وابسته خصوصی سازی

کد عامل	نوع عامل یا متغیر	تعداد	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	مقدار Z	مقدار P
۱	مدیریتی	۴	۰/۲۵۹	۰/۱۶۴	۰/۳۴۹	۵/۲۱۶	۰/۰۰۰۱
۲	اجتماعی - فرهنگی	۵	۰/۰۶۲	-۰/۰۲۳	۰/۱۴۶	۱/۴۲۹	۰/۱۵۳
۳	سیاسی - حقوقی - قانونی	۶	۰/۲۷۰	۰/۱۹۸	۰/۳۳۹	۷/۱۱۲	۰/۰۰۰۱
۴	اقتصادی	۱۸	۰/۴۳۸	۰/۴۰۶	۰/۴۷۰	۲۳/۱۵۲	۰/۰۰۰۱
۵	ساختاری	۷	۰/۰۴۱	-۰/۱۰	۰/۰۱۷	۱/۳۷۹	۰/۱۶۸

همان گونه که نتایج جدول فوق نشان می دهد به ترتیب موانع اقتصادی، سیاسی - حقوقی - قانونی و مدیریتی بیشترین اندازه اثر را در بین انواع موانع خصوصی سازی به خود اختصاص داده اند و موانع ساختاری و اجتماعی - فرهنگی معنی دار نمی باشند.

همچنین برای بررسی مسئله سوگیری انتشار از روش N ایمن از خطای کلاسیک روزنتال^۱ استفاده شد. آزمون N ایمن از خطای روزنتال، تعداد مطالعات گم شده (با میانگین اندازه اثر برابر با صفر) یعنی تعداد

1. Rosenthal's Fail-safe N test

مطالعات موید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شود تا از لحاظ آماری یک اندازه اثر کلی غیر معنادار به دست آید و نتیجه را تغییر دهد، نشان می‌دهد (نوغانی دوخت بهمنی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۶: ۵۴). نتیجه حاصل از این روش در جدول زیر آمده است:

جدول ۶: نتایج آزمون N ایمن از خطای کلاسیک روزنتال

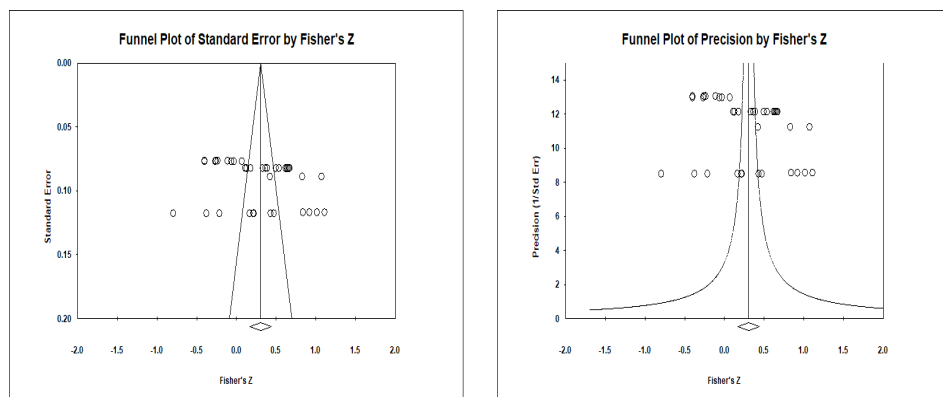
موانع	عوامل	شاخص
۲۰/۷۴	۷۴/۶۰	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵	۰/۰۵	آلفا
۲	۲	دامنه
۱/۹۵۶	۱/۹۵۶	مقدار Z برای آلفا
۴۰	۴۶	تعداد مطالعات مشاهده شده
۴۳۶۸	۶۶۰۴	تعداد مطالعات گم شده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند

نتایج آزمون N ایمن از خطا نشان می‌دهد که در مطالعه عوامل موثر در خصوصی سازی باید تعداد ۶۶۰۴ مطالعه گم شده و در مطالعه موانع موجود در خصوصی سازی باید تعداد ۴۳۶۸ بررسی وجود داشته باشد که سطح آلفا از ۰/۰۵ تجاوز کند. چون این عدد خیلی بزرگتر از تعداد مطالعات مشاهده شده (۱۵ پژوهش با ۸۶ عامل مستقل) است، لذا نشان دهنده دقت و نبود خطای انتشار است. همچنین یکی از روش‌های بررسی سوگیری انتشار، دقت نتایج (شکل سمت راست) و خطای انتشار بررسی (شکل سمت چپ) از طریق نمودار قیفی^۱ است. در شکل زیر نمودار قیفی شکل مطالعات ارائه شده است.

تقارن نسبی در دو شکل نمودار قیفی شکل نشان دهنده نبود خطای انتشار است. در هر دو نمودار مطالعات دارای حجم نمونه بزرگتر در بالای نمودار و اطراف اندازه اثر ترکیبی قرار می‌گیرند و مطالعات با حجم کوچکتر در پایین نمودار قرار می‌گیرند. همان گونه که مشاهده می‌شود اغلب مطالعات به دلیل داشتن حجم نمونه بیشتر و به طبع آن مقدار خطای معیار کمتر در قسمت بالای نمودار قرار گرفته‌اند و مسئله سوگیری انتشار رد می‌شود. نتایج روش عرض از مبدا رگرسیون ایگر^۲ برای موانع خصوصی سازی در حالت دوسویه معنادار نبود و این عدم معناداری نشان دهنده عدم سوگیری انتشار است ($t=1/40$, $df=38$, $p=0/168$). در مورد عوامل موثر بر خصوصی سازی نیز عرض از مبدا ایگر در حالت دوسویه معنادار نبود ($t=0/93$, $df=44$, $p=0/92$) و مسئله سوگیری انتشار رد می‌شود.

1. Funnel plot

2. Egger



شکل ۱: نمودار قیفی دقت نتایج و خطای استاندارد انتشار

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که به طور کلی عوامل و موانع مورد بررسی محققان به طور معناداری بر خصوصی سازی ورزش موثر بوده اند و اندازه اثر محاسبه شده با استفاده از مدل اثرات تصادفی، $0/726$ و $0/295$ است که میزان تاثیر بر اساس طبقه بندی کوهن به ترتیب در حد بزرگ و کوچک ارزیابی می شود. در این پژوهش فراتحلیلی، عوامل مدیریتی، سایر عوامل، رسانه و تبلیغات، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی-قانونی و اقتصادی به ترتیب با بیشترین اندازه اثر و موانع اقتصادی، سیاسی-حقوقی-قانونی و مدیریتی سه مانع موثر با بیشترین اندازه اثر در خصوصی سازی ورزش کشور شناخته شدند. چون بعضی از عوامل و موانع مشترک می باشند در تبیین هر یک از این موارد هر دو حالت (عوامل و موانع) را در نظر می گیریم.

عوامل مدیریتی با اندازه اثر $0/802$ بیشترین تاثیر را در بین عوامل موثر بر خصوصی سازی ورزش و با اندازه اثر $0/259$ سومین مانع در بین موانع تاثیر گذار بر روند خصوصی سازی ورزش کشور بود. به نظر می رسد عوامل مدیریتی از نظر متخصصان یکی از مهم ترین عوامل در جذب سرمایه گذار بخش خصوصی در ورزشی قهرمانی کشور است. ایجاد زمینه لازم و به عبارتی عدم وجود این عوامل در ساختار ورزش قهرمانی کشور از مشکلاتی است که روند خصوصی سازی ورزش کشور از آن رنج می برد (محرم زاده و همکاران، ۱۳۹۴). عوامل مدیریتی به دلیل مکمل بودن برای سایر فعالیت ها از اهمیت بالایی نسبت به سایر عوامل برخوردار است. عوامل و موانع مدیریتی فراروی خصوصی سازی ورزش که در مقالات مربوط به این مطالعه فراتحلیل شناسایی شدند عبارت اند از: رقابت غیر مستقیم دولت با بخش خصوصی، وجود مشکلات زیرساختی برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی، ضعف تصمیم گیری در نهادهای مرتبط، فقدان راهبرد و برنامه ریزی مدون در عرصه ورزش و خصوصی سازی ورزش، فقدان سیستم نظارتی قوی به منظور کنترل امور مرتبط با خصوصی سازی ورزش، نگرش اقتدارگرایانه و از بالا به پایین نگاه کردن به خصوصی سازی (وجود ساختارهای بوروکراسی)،

واگذاری بخش‌های زیانده به بخش خصوصی توسط دستگاه‌های دولتی، نداشتن متولی خصوصی‌سازی در حوزه ورزش، ضعف مدیریت بخش خصوصی، نگاه جانبی و حاشیه‌ای مسئولان به ورزش، پایین بودن اعتماد به مدیران بخش خصوصی، فقدان نهادها و حکومت‌های محلی قوی به‌منظور تصدی امور ورزشی و واگذار شده، فقدان تعامل بین دستگاه‌های متولی ورزش و موازی‌کاری‌ها، عدم استفاده از کارشناسان و متخصصان در امور خصوصی‌سازی، فقدان تعامل بین دستگاه‌ها، موازی‌کاری‌ها و عدم توانمندی بخش غیردولتی در مقایسه با بخش دولتی، فقدان راهبرد و برنامه‌ریزی مدون در عرصه ورزش و خصوصی‌سازی اماکن ورزشی، ضعف مهارت‌های مدیریتی و اجرایی در برگزاری مسابقات ورزشی و کنترل تماشاگران، نبود کارشناسان فنی، باتجربه و تحصیل‌کرده ورزشی (علمی و عملی) در اداره کردن مکان‌های ورزشی، مشکلات مدیریتی و تأمین امنیت در اماکن ورزشی خصوصی، عدم استفاده و بهره‌وری مناسب از امکانات موجود اماکن ورزشی در بخش تربیت بدنی و ورزش، عدم استفاده صحیح از زیرساخت‌های اماکن ورزشی (مثل آب، برق، گاز) و سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی، وجود نگاه کوتاه‌مدت، نتیجه‌گرا و غیرتخصصی در مدیریت باشگاه‌های حرفه‌ای کشور و نیز نبود راهبرد و برنامه‌ریزی مناسب در عرصه خصوصی‌سازی (امیری و همکاران، ۱۳۹۲؛ محرم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴ و کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴). با ایجاد سیستم یکپارچه مدیریتی، ایجاد ثبات مدیریتی در فدراسیون‌های ورزشی می‌توان بر بسیاری از عوامل دیگر تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش قهرمانی از جمله عوامل مالی و اقتصادی، عوامل تبلیغاتی و بازاریابی و حقوقی و قانونی تأثیرگذار بود. عدم ثبات مدیریتی بر تصمیم‌گیری مدیران ورزشی جهت انعقاد قرارداد با بخش خصوصی که به توسعه ورزش قهرمانی می‌انجامد تأثیر سوء دارد. در فدراسیون‌های ورزشی قراردادهای بخش خصوصی پس از پایان دوره مدیریت به‌نوعی فسخ‌شده تلقی می‌شوند (دلدار، شهپر توفیق و باقری، ۱۳۹۵). با این شرایط، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رغبتی به سرمایه‌گذاری در این محیط بی‌ثبات و ناامن ندارند. زمینه ایجاد این عوامل و برطرف کردن موانع موجود می‌تواند تأثیر بسزایی در جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته باشد. (کشاورز، فراهانی، موسوی جهرمی و فزازیانی، ۱۳۹۳). یکی از موارد عدم ثبات مدیریت در باشگاه‌ها را می‌توان در باشگاه‌های فوتبال ایران مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به‌عنوان پرفرودارترین باشگاه‌های کشور، از شروع مسابقات لیگ برتر فوتبال و در طول ۱۲ دوره برگزاری کشور، ۱۲ مدیرعامل را به خود دیده‌اند. با توجه به این رقم می‌توان برآورد نمود که هر مدیرعامل به‌طور میانگین حدود یک سال برای مدیریت و برنامه‌ریزی در فوتبال کشور فرصت داشته است (علیدوست قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۲). عدم ثبات مدیریت در نهادهای ورزش کشور باعث می‌شود تا مدیران نگرشی کوتاه‌مدت به مسائل داشته باشند و باعث می‌شود تا مدیران فرصت کافی برای برنامه‌ریزی نداشته باشند و در نتیجه، از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت به دور بمانند. موضوع دیگر این است که این امکان وجود دارد مدیران جدید باشگاه‌های مذکور، تعهدی را برای اجرای برنامه مدیران قبلی احساس نکنند و خود به‌تدوین برنامه‌ای جدید پردازند (امیری، نیری، صفاری و دلبری راغب، ۱۳۹۱). یکی دیگر از عوامل مدیریتی نبود قوانین کاربردی در این زمینه می‌باشد. در زمینه

تدوین قوانین منسجم و کارآمد پیرامون مسئله خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای در کشور، مجلس شورای اسلامی عملکرد قابل قبولی نداشته است؛ به طوری که باگذشت بیش از ۱۰ سال از بحث واگذاری باشگاه های حرفه ای، هیچ مصوبه ای در این مورد به تصویب مجلس نرسیده است. با این حال، دولت نیز نتوانسته است با ارائه لایحه های مناسب به حل مسائل و مشکلات موجود در این زمینه کمک چندانی کند (قره خانی، احسانی، کوزه چیان، خیبری، فولادی حیدرلو و نوبخت، ۱۳۹۰). به نظر می رسد دولت با تشکیل کمیته ای در وزارت ورزش و جوانان به منظور بررسی جوانب مختلف امر و تهیه لوایح مؤثر و کارآمد قصد دارد این ضعف را پوشش دهد و در جهت جبران کاستی های گذشته گام بردارد. از آنجا که مشکلات مدیریتی گریبانگیر باشگاه های ورزشی به ویژه فوتبال شده است، فراهم نمودن شرایط لازم برای حل موانع مدیریتی باشگاه ها از گام های مهم در راه خصوصی سازی است. در واقع، رفع موانع و مشکلات موجود در این زمینه منجر به ثبات باشگاه ها و جذابیت آنها برای بخش خصوصی و در نهایت، موفقیت خصوصی سازی باشگاه های کشور خواهد شد. بدون تغییر ساختار مدیریتی باشگاه های ورزشی و رفع مشکلات آنها نمی توان به توسعه ورزش و در نتیجه، حضور بخش خصوصی چندان امید بست (دلدار و همکاران، ۱۳۹۵).

نتایج نشان داد که سایر عوامل با اندازه اثر ۰/۷۸۲ دومین عامل تاثیرگذار بر خصوصی سازی ورزش می باشد. سایر عوامل شامل نیروی انسانی متخصص و تفکر راهبردی می باشد. مقوله منابع انسانی به عنوان مفهومی کلیدی از جمله ضروری ترین اقداماتی است که در سازمان ها و در حوزه مدیریت منابع انسانی مطرح است. امروزه انسان، عامل پیشرفت و تحول در سازمان ها محسوب می شود تا جایی که پایه توسعه اقتصادی و افزایش توان اقتصادی کشورها بسته به استفاده و به کارگیری نیروی انسانی است. انسان به عنوان قلب سازمان، محور هر نوع برنامه فردی، اجتماعی و سازمانی می باشد و منابع انسانی در سازمان ها تنها منبعی است که کمیاب بوده و به راحتی قابل تکثیر توسط سایر سازمان ها نیست. عملکرد و بازدهی سازمان ها بستگی به دارایی های مشهود و نامشهود آنها دارد و این دارایی ها معیار مناسبی برای ارزش گذاری آنها محسوب می شوند. منابع انسانی جزو دارایی های نامشهود هستند و میزان بهره وری منابع انسانی بی شک نقش بسزایی در ایجاد ارزش سازمانی ایفا می کند. (طالب پور، میرزاده، شجاع و علیزایی، ۱۳۹۷). از این رو، توسعه منابع انسانی در تمامی طرح های توسعه بخشی و ملی، اولویت ویژه ای دارد. نیروی انسانی دارای ویژگی های بی نظیر تخصص، مهارت، تحصیلات، تجربه و شخصیت است که نشان دهنده درجه و کیفیت آن در هر سازمان است. امروزه با توجه به کمبود منابع و از سوی دیگر رقابتی بودن محیط کسب و کار، استفاده بهینه از منابع به خصوص سرمایه های انسانی متناسب با شرایط پویای محیط یکی از ضرورت ها و مسائل مهم می باشد (رضوی و طالب پور، ۱۳۹۷). محرم زاده و همکاران (۱۳۹۴) نبود افراد و کارشناسان فنی و توانمند در حوزه خصوصی سازی ورزش و علیزاده و هنری (۱۳۹۰) ضعف نیروی انسانی در خصوصی سازی ورزش را از جمله چالش های اجرایی خصوصی سازی ورزش در شهرستان ها گزارش کردند. عسکرزاده و حیدرنژاد (۱۳۹۰) بر اهمیت توانمندسازی نیروی انسانی به منظور توسعه بهتر خصوصی سازی ورزش تأکید کردند. همچنین تحقق اهداف سازمانی مستلزم

تدوین راهبردهای مناسب و دقیق است. در فضایی که یک اشتباه یا تصمیم نادرست و نسنجیده مدیران ممکن است به شکست دائمی سازمانشان منجر شود، داشتن راهبرد، به خصوص راهبرد رقابتی، اجتناب‌ناپذیر است و آنچه ممکن است برای سازمان‌ها مزیت رقابتی خلق کند، تفکر راهبردی اثربخش است (بهمنی چوب بستی، زارع و عیسی آبادی، ۱۳۹۸). تفکر راهبردی اثربخش مکملی برای برنامه‌ریزی راهبردی و رویکردی مناسب برای راهبری سازمان است که به مقابله نظام‌مند با معضلات، درک فرصت‌ها، تخصیص بهینه منابع کمیاب و دستیابی به نتایج موردنظر رهبران سازمان کمک می‌کند. تفکر راهبردی اثربخش یکی از ابزارهای این نوع مدیریت به‌منظور هدایت توسعه منابع انسانی در راستای راهبردها و چشم‌انداز سازمانی است (کریمی و عباسی، ۱۳۹۶). به عقیده بسیاری از کارشناسان، یکی از علت‌های مهم در موفق نبودن برنامه‌ریزی‌های مختلف، نبود توجه جامع و کامل بودن بررسی‌ها برای برنامه‌ریزی است که بر این اساس، لزوم انجام برنامه‌ریزی راهبردی مشخص می‌شود. داشتن تفکر راهبردی کمک می‌کند که مسئولان و دست‌اندرکاران ورزش کشور قبل از اجرای فرایند خصوصی‌سازی، به‌صورت کاملاً حساب‌شده و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف موضوع اقدام به این امر کنند تا خصوصی‌سازی ورزش با کیفیت بالاتری انجام شود (احمدی، امیرتاش و صفانیا، ۱۳۹۷).

نتایج نشان داد که رسانه و تبلیغات با اندازه اثر ۰/۷۴۰ سومین عامل تاثیرگذار بر خصوصی‌سازی ورزش می‌باشد. رسانه‌ها با توجه به گستردگی خود و ظرفیت زیادی که در تأثیرگذاری و نفوذ بر افکار عمومی دارند، به‌عنوان یک عامل اساسی قبل از خصوصی‌سازی ورزش باید مورد توجه قرار گیرند. رسانه‌ها در ارائه تصاویر واقعی از فوائد خصوصی‌سازی ورزش، به دلیل قابلیت‌های گسترده در جذب مخاطب انبوه و توانایی شکل‌دهی به افکار عمومی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به‌هر حال، تعامل بین رسانه‌ها و مردم با موضوع خصوصی‌سازی ورزش فرصت‌هایی را برای کسب آگاهی‌هایی عمیق در خصوص این کار فراهم می‌کند که این امر به نحوی غیرقابل اجتناب، موجب جلب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاران خصوصی در بخش ورزش می‌شود. در نتیجه، رسانه‌ها و تبلیغات مربوط به خصوصی‌سازی ورزش حوزه مطالعاتی به شمار می‌روند که به‌طور برجسته‌ای آگاهی افراد را نسبت به فرآیندها و کارکردهای خصوصی‌سازی ورزش افزایش می‌دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از ابزار رسانه و تبلیغات برای خصوصی‌کردن ورزش، ایجاد شبکه خصوصی ورزش است. می‌توان اذعان کرد که برخوردار بودن از شبکه خصوصی که تمامی برنامه‌های تولیدی آن بر مباحث ورزشی و توسعه آن در جامعه تأکید دارند، نقش مهمی برای فرهنگ‌سازی مناسب در راستای موضوع خصوصی‌سازی ورزش ایفا و می‌تواند به موفقیت هر چه بیشتر خصوصی‌سازی در ورزش کمک کند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۳). باینبریچ و ایوب^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی خصوصی‌سازی فوتبال کشور عربستان پرداختند و گزارش کردند که چگونگی سازماندهی امور مربوط به خصوصی‌سازی ورزش، به‌ویژه فوتبال به‌عنوان محبوب‌ترین رشته ورزشی در این کشور، می‌تواند موضوع پیچیده‌ای باشد که باید بسترهای مختلفی از جمله تبلیغات و رسانه‌ها را به‌عنوان یک عامل مهم برای آن در نظر گرفت. امیری و همکاران (۱۳۹۱) معتقدند که رسانه‌ها با

نمایش برنامه‌هایی می‌توانند مردم را نسبت به خصوصی سازی ورزش هرچه بیشتر ترغیب کنند. این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱- تهیه برنامه‌هایی پیرامون تجارب موفق اداره ورزش از سوی مردم در گذشته در سایر کشورها؛ ۲- تهیه برنامه‌هایی برای انتشار و گسترش اندیشه‌های نو به منظور تنویر افکار عمومی در برابر خصوصی سازی ورزش؛ ۳- تهیه برنامه‌هایی به منظور ترغیب شهروندان به روی آوردن به رشته‌های مختلف ورزشی؛ ۴- رسانه‌ای کردن همه رشته‌های ورزشی و نه فقط فوتبال؛ ۵- تهیه برنامه‌هایی برای برطرف کردن نگرانی جامعه از اجرای خصوصی سازی. رسانه‌های جمعی کشور می‌توانند با جلب مشارکت بخش خصوصی و خصوصی سازی در ورزش این موارد را در کانون توجه بیشتر قرار دهند و باتدبیر هوشمندانه به چاره‌جویی و به‌کارگیری سازوکارهای ایجابی به رفع آنها پردازند. رسانه‌های جمعی از طریق کارکردهای اجتماعی، اطلاعاتی، فراغتی و احساسی شامل فرهنگ سازی، ایجاد مشارکت اجتماعی، ایجاد ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی، بسیج مردم، القای فکر، اطلاع‌رسانی، نظارت بر محیط، انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی، آموزش و پرورش، سرگرم سازی، درمان روانی و ایجاد همبستگی؛ توانایی و ظرفیت بسیاری برای تغییر بینش، نگرش، احساس و رفتار ذی‌نفعان خصوصی سازی ورزش شامل شهروندان، بخش خصوصی و دولت در حوزه ورزش کشور را دارند.

همچنین نتایج نشان داد که عوامل فرهنگی - اجتماعی با اندازه اثر ۰/۷۲۱ چهارمین عامل در بین عوامل موثر بر خصوصی سازی ورزش کشور می‌باشد. موانع اجتماعی - فرهنگی فراروی خصوصی سازی ورزش عبارت‌اند از: رواج اختصاصی سازی به جای خصوصی سازی، فقدان فرهنگ و تفکر مناسبی از برون‌سپاری و خصوصی سازی، پایین بودن انگیزه حامیان مالی به منظور فعالیت در حوزه خصوصی سازی در ورزش، عدم آشنایی توده مردم و مدیران ورزشی با مفاهیم مرتبط با خصوصی سازی ورزش، فقدان مطالعات کافی در حوزه خصوصی سازی ورزش، کمبود تبلیغات در زمینه خصوصی سازی ورزش، بی‌توجهی مردم نسبت به ورزش کردن برای پیشگیری از بیماری‌ها. عدم فرهنگ سازی مناسب نسبت به بخش خصوصی ورزش، از جمله مهمترین موانع پیش روی فرایند خصوصی سازی از بعد فرهنگی هستند که با اصلاح آن می‌توان امیدوار بود که به فرهنگ خصوصی سازی در جامعه بیشتر توجه شود. امیری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تبیین اولویت‌بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش» نشان دادند که یکی از موانع اصلی فراروی خصوصی سازی ورزش از منظر صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران اجرایی، موانع فرهنگی و اجتماعی هستند. گارد، گیل و هایهورست^۱ (۲۰۱۷) در نتیجه پژوهشی که در آن به بررسی نقش خصوصی سازی ورزش در مناطق شمال غربی کانادا پرداختند، اشاره کردند که فرایند خصوصی سازی ورزش می‌تواند تأثیرات متعددی در منطقه شمال غربی داشته باشد و در این زمینه، به پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله تبلیغات در رسانه‌ها باید توجه جدی شود. موانع اجتماعی - فرهنگی فراروی خصوصی سازی ورزش نیز منحصر به کشور ما نیستند. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهند که فقدان عزم و اعتقاد کافی نسبت به خصوصی سازی در بنگلادش (محقق، ۱۳۸۹) و نگرش منفی نخبگان و مردم نسبت به خصوصی سازی در

کشورهای تایلند، تاجیکستان و هند (بهرام نژاد، ۱۳۸۶ و مهدوی، ۱۳۸۳) مهمترین موانع فراروی خصوصی سازی در این کشورها هستند.

همچنین نتایج نشان داد عوامل سیاسی - حقوقی - قانونی با اندازه اثر ۰/۷۰۶ پنجمین عامل در بین عوامل دومین مانع خصوصی سازی ورزش با اندازه اثر ۰/۲۷۰ می باشد. مرادی چالشتری، صابونچی و فروغی پور (۱۳۹۰) معتقدند که به دلیل وجود موانع قانونی در قوانین خصوصی سازی کشور (اصول ۴۴ و ۱۳۹ قانون اساسی) و تضادهای قانونی و حقوقی مختلف موجود در قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، صنعت ورزش مانند دیگر صنایع از تأثیرات فزاینده سرمایه گذاری خارجی بی بهره مانده است. فراهم نبودن شرایط لازم برای سرمایه گذاری و ناکافی بودن تسهیلات اعطایی ویژه از سوی دولت به بخش خصوصی مثل برق و گاز از جمله موانع حقوقی و قانونی می باشد. امیری و همکاران (۱۳۹۱) موانع سیاسی - حقوقی فراروی خصوصی سازی ورزش کشور را موارد زیر می دانند: ۱- استفاده دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی؛ ۲- تبدیل عرصه ورزشی کشور به منبعی درآمدزا برای عده ای خاص؛ ۳- وجود محدودیت های سیاسی برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی؛ ۴- واگذاری های سودآور به افراد خاص (وابستگان تصمیم گیرندگان)؛ ۵- فقدان سازوکارهای قانونی و آیین نامه های اجرایی لازم؛ ۶- خلاها و ابهامات قانونی؛ ۷- نبود تناسب و هماهنگی برنامه های خصوصی سازی با قوانین کار، بیمه و مالیات. همچنین در برخی تحقیقات، فقدان قوانین روشن و نارسایی قوانین موجود به عنوان مانع حقوقی فراروی توسعه تعاونی ها در عرصه ورزش قلمداد شده است (امیری و همکاران، ۱۳۹۲). برخی مطالعات نشان داده اند در کشورهایی مانند کانادا، ایتالیا و کویت نیز استفاده دولت از شرکت های دولتی به عنوان یک ابزار سیاسی در زمره مهم ترین موانع سیاسی فراروی خصوصی سازی ورزش محسوب می شود (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۸). کشوری مانند مالزی نیز مانند ایران به دلیل رابطه گرای شدید در واگذاری ها با موانع مهمی بر سر راه خصوصی سازی مواجه است (حیدری کردزنگنه، ۱۳۸۸). پاداش (۱۳۸۸) و عالی پور (۱۳۸۵) به نبود سیاست و برنامه مشخص به منظور هدایت امر خصوصی سازی و علیدوست قهفرخی (۱۳۸۹) به نبود اطمینان متقابل بین دولت و بخش خصوصی و وجود برخی عوامل سیاسی در عزل و نصب مسئولان به عنوان مهم ترین موانع خصوصی سازی ورزش ایران اشاره کردند. محمدی مغانی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند اعتماد متقابل بین ملت و دولت و بخش خصوصی، ثبات در سیاست های دولت، عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی اقتصادی و وجود سیاست ها و برنامه های مشخص می توانند بر خصوصی سازی ورزش تاثیرگذار باشند. همچنین معتقدند باید بین کلیه اجزای نظام سیاسی انسجام و همبستگی وجود داشته باشد و این انسجام و همبستگی از مردم و تمامی گروه های موجود در کشور به نظام سیاسی واگذار شده باشد. پیشنهاد می شود نسبت به ساماندهی بسترهای سیاسی - حقوقی - قانونی مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در ورزش نیز اقدام شود که از جمله آنها می توان به برطرف کردن موانع قانونی واگذاری باشگاه های ورزشی، ایجاد قوانین و مقررات لازم به منظور خصوصی سازی ورزش، برطرف کردن ابهامات قوانین و مقررات در حوزه خصوصی سازی ورزش، تصویب آیین نامه های اجرایی

مناسب به منظور خصوصی‌سازی ورزش، متناسب کردن برنامه‌های خصوصی‌سازی با قانون کار، بیمه، مالیات و...، مقابله با مخالفت مسئولان سازمان‌ها و نهادهای ورزشی دولتی با خصوصی‌سازی، واگذاری بخش‌های سودده ورزش به بخش خصوصی، نگاه غیرسیاسی به حوزه ورزش و خصوصی‌سازی در این حوزه، رعایت حق بخش تلویزیونی و منافع بخش خصوصی، رعایت حق مالکیت معنوی (کپی‌رایت)، برخورد با مافیای اقتصادی در بخش ورزش کشور و به ثبت رساندن عضویت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل باشگاه‌ها در اداره ثبت شرکت‌ها اشاره کرد.

همچنین نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی با اندازه اثر ۰/۵۱۰ ششمین عامل در بین عوامل و اولین مانع با اندازه اثر ۰/۴۳۸ بر خصوصی‌سازی ورزش در کشور می‌باشد. موانع اقتصادی فراروی خصوصی‌سازی ورزش شامل فقدان امنیت سرمایه‌گذاری در کشور، فقدان مشوق‌های مالی و مالیاتی به منظور تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در ورزش، عدم ثبات اقتصادی کشور، عدم توانایی مالی عامه مردم در استفاده از ورزش خصوصی، عدم برخورداری بخش خصوصی از تسهیلات دولتی، ترس از بیکاری منابع انسانی وابسته به مشاغل دولتی، فقدان دارایی‌های مناسب در باشگاه‌های حرفه‌ای، سطح بالای سرمایه‌گذاری موردنیاز برای ساخت و خرید اماکن ورزشی، کمبود زمین و املاک موردنیاز در داخل شهرها برای ساخت اماکن ورزشی هستند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین احمدی و نودهی (۱۳۹۹) معتقدند نبود امنیت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش و عدم توانایی مالی مردم در استفاده از خدمات بخش‌های خصوصی، بزرگترین مانع اقتصادی خصوصی‌سازی ورزش می‌باشد. دارنده سرمایه هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری به دو موضوع اطمینان از سودآوری و اطمینان از عدم تعرض به سرمایه‌اش نیاز دارد (رهبر، ۱۳۸۶). محرم زاده و همکاران (۱۳۹۴) و نادریان جهرمی و مصلحی (۱۳۹۴) عدم حاکمیت منطق هزینه فایده در اماکن ورزشی خصوصی، هزینه بالای خرید تجهیزات اماکن ورزشی، ناتوانی در تأمین حقوق و دستمزد منابع انسانی، عدم توانایی مالی عامه مردم در استفاده از خدمات ورزشی بخش‌های خصوصی و عدم تمایل مردم به صرف هزینه برای امور ورزشی را بزرگترین موانع اقتصادی خصوصی‌سازی ورزش شهرستان‌ها بیان نمودند. کشاورز و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند در صورتی که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در راستای ایجاد فضای باز و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی به منظور دستیابی به بازارهای جدید و سرمایه‌گذاران جدید سرمایه‌های خارجی و فناوری نوین اقتصادی تعریف شود و اقداماتی در راستای افزایش ثبات اقتصادی صورت پذیرد، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن، جریان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش قهرمانی کشور افزایش خواهد یافت. از این رو، تازمانی که عوامل مذکور در ساختار اقتصادی کشور وجود داشته باشد، صنعت ورزش کشور نیز مانند دیگر صنایع متأثر از چنین فضایی خواهد بود و کل نظام اقتصادی کشور از تأثیرات فزاینده سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی بی‌بهره خواهد ماند و پیشنهاد می‌کنند باید هرچه سریع‌تر اقتصاد کشور با مالکیت دولتی خداحافظی کند و انحصارها را بشکند و به دنبال ایجاد فضای رقابتی بر آن باشد. با توجه به اهمیت زیرساخت‌های اقتصادی در جلب مشارکت بخش خصوصی، ایجاد بسترهای اقتصادی مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

در ورزش و فراهم آوردن فضای مناسب از قبیل کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و حمایت از بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری برای ساخت و خرید اماکن ورزشی الزامی است. کاشف و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود، ناکافی بودن تسهیلات بانکی و هزینه بالای ساخت اماکن ورزشی را به‌عنوان دو مانع مهم در مسیر خصوصی‌سازی باشگاه‌ها بیان نمودند. همچنین نخستین گام در خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال رفع موانع اقتصادی باشگاه‌ها می‌باشد، چون باشگاه‌های فوتبال به علت محدودیت منابع درآمدی، درآمد قابل توجهی ندارند، دارای تراز مالی منفی می‌باشند و رفع موانع و مشکلات موجود در این زمینه باعث سودآوری باشگاه‌ها و جذابیت آنها برای بخش خصوصی و در نهایت، موفقیت خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال کشور خواهد شد. همچنین استقرار ساختار رقابتی در اقتصاد کشور، تأثیرات به‌سزایی بر این صنعت خواهد گذاشت، زیرا ساختار اقتصادی معیوب کشور و مشکلات مربوط به آن، صنعت فوتبال و باشگاه‌های آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدون تغییر ساختار اقتصادی (برونگرایی، اندازه بازار، ساختار رقابتی) و رفع مشکلات آن نمی‌توان به رشد و توسعه اقتصادی باشگاه‌های فوتبال و در نتیجه، حضور بخش خصوصی چندان امید بست (مرادی چالستری، مرادی، نوروزیان قهفرخی و جعفری، ۲۰۱۳). ایجاد ثبات اقتصادی، ارائه مشوق‌های مالی و مالیاتی برای تشویق بخش خصوصی، ایجاد تسهیلات دولتی کم‌بهره و بلندمدت، قرار دادن زمین و املاک موردنیاز در اختیار بخش خصوصی و توانمندسازی بخش خصوصی می‌تواند راهگشای موانع اقتصادی خصوصی‌سازی ورزش کشور باشد.

در مجموع، می‌توان گفت در سازمان‌های دولتی علیرغم ابلاغ سیاست‌های خصوصی‌سازی، با یک جو مخالف این سیاست مواجه هستیم. بنابراین، بدون تغییر این فرهنگ و باورها، در رفع موانع موجود در اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در ورزش به‌جایی نخواهیم رسید. لذا پیشنهاد می‌گردد مدیران و مسئولان حوزه ورزش کشور به رفع این موانع همت گمارند تا بتوان شاهد ارتقای مشارکت بخش خصوصی در همه سطوح ورزش کشور بود.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- دولت محترم در تنظیم لوایح، دستورالعمل‌ها و مقررات مرتبط با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی ورزش باید انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشد.
- ۲- از آنجاکه موضوع خصوصی‌سازی از مباحث بسیار پیچیده و چندوجهی است، استفاده از مشاوران ورزشی - اقتصادی قوی و مجرب می‌تواند موجب تسریع در روند خصوصی‌شدن ورزش کشور شود.
- ۳- دولت می‌تواند با کاهش دخالت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و اجرایی روند خصوصی‌سازی به این فرایند کمک کند.
- ۴- رفع مشکلات عمده در زمینه قانون حقوق مالکیت معنوی در کشور می‌تواند به توسعه روند

خصوصی سازی کمک کند.

۵- پرداخت وام های بلندمدت و نظارت دقیق بر عملکرد باشگاه ها، شرایط خصوصی سازی باشگاه ها را فراهم می کند و ورزش ایران هرچه سریعتر به سمت حرفه ای شدن گام بر می دارد.

۶- شفافیت در اطلاعات مالی باشگاه ها می تواند باعث جذب سرمایه گذاران علاقمند شود و امکان خصوصی سازی را مهیا نماید.

در مجموع می توان گفت که جریان خصوصی سازی ورزش می تواند منجر به بهره وری هرچه بهتر اماکن ورزشی شود و تعداد استفاده کنندگان از این امکانات را افزایش دهد که این امر خود افزایش سلامتی و کاهش هزینه های درمان در جامعه را در پی خواهد داشت.

منابع

- آزادی، رسول؛ عیدی، حسین و امیری، سحر. (۱۳۹۳). «تحلیلی بر روند خصوصی سازی باشگاه های ورزشی ایران (شناسایی موانع و ارایه راه کارهایی برای آن)». همایش علمی انجمن تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- احمدی، مجتبی و نودهی، محمد علی. (۱۳۹۹). «تحلیل عاملی مؤلفه های الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در ایران». مجله مدیریت ورزشی. دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۲۰۱-۲۲۲.
- احمدی، مجتبی؛ امیرتاش، علی محمد و صفانیا، علی محمد. (۱۳۹۷). «تحلیل عاملی مؤلفه های فرهنگی لازم قبل از خصوصی سازی ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۰، شماره ۵۰، صص ۳۷-۶۲.
- امیری، مجتبی؛ نیری، شهرزاد؛ صفاری، مرجان و دلبری راغب، فاطمه. (۱۳۹۱). «رسانه و توسعه مشارکت بخش خصوصی در ورزش کشور». فصلنامه پژوهش های ارتباطی. دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۹-۳۸.
- امیری، مجتبی؛ نیری، شهرزاد؛ صفاری، مرجان و دلبری راغب، فاطمه. (۱۳۹۲). «تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش». مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۴، صص ۸۳-۱۰۶.
- بهمنی چوب بستی، اکبر؛ زارع، رضا و عیسی آبادی، مهدی. (۱۳۹۸). «تحلیل تأثیر تفکر راهبردی اثربخش در یادگیری سازمانی و سرمایه فکری کارکنان (مورد پژوهش: یکی از دستگاه های اجرایی استان قم)». فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری. دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۳-۴۴.
- بهرام نژاد، زهرا. (۱۳۸۶). «بررسی مقایسه ای روند خصوصی سازی در روسیه، چین، هند، بولیوی، لهستان و برزیل». بولتن جهان خصوصی سازی. شماره ۶، صص ۴۲-۴۸.
- پاداش، دنیا؛ سلطان حسینی، محمد؛ خبیری، محمد و فتحی، سعید. (۱۳۸۸). «تعیین و اولویت بندی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی با روش AHP». همایش بین المللی علم و فوتبال. آکادمی ملی فوتبال، تهران، صص ۱۶-۲۰.
- حیدری کرد زنگنه، غلامرضا. (۱۳۸۸). «راهکارهای ارتقای خصوصی سازی در ایران». پندار پارس. صص ۱۰۲-۱۰۷.
- خسروی زاده، اسفندیار؛ بهرامی، علیرضا و حقدادی، عابد. (۱۳۹۳). «موانع سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش استان مرکزی». مجله مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۲۰۷-۲۲۲.
- دلدار، ابراهیم؛ کارگر، غلامعلی و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۵). «بررسی موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های لیگ حرفه ای فوتبال کشور». مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۵، شماره ۲، صص ۵۳-۶۸.
- دلدار، ابراهیم؛ شهپر توفیق، آذیتا و باقری، قدرت الله. (۱۳۹۵). «بررسی موانع خصوصی سازی باشگاه های لیگ حرفه ای فوتبال ایران». مجله مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳۵، صص ۹۷-۱۱۸.

- رضوی، محمد حسین؛ چوپانکاره، وحید؛ اسمعیلی، محسن و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۸). «تحلیل مؤلفه های اثرگذار در خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای فوتبال ایران». رویکردهایی نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۸۱-۹۲.
- رضوی، سید محمدجواد و طالب پور، مهدی. (۱۳۹۷). «تبیین نقش راهبردهای مؤثر بر توسعه منابع انسانی، میزان کارآفرینی سازمانی و توسعه سازمانی: مورد مطالعه کارکنان وزارت ورزش و جوانان کشور ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۶۷-۷۹.
- رهبر، فرهاد. (۱۳۸۶). «موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران». مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۸۱، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- زارع، امین؛ بابائیان، علی؛ مرادی، غلامرضا و حسینی، سید عبدالرسول. (۱۳۹۳). «شناسایی و رتبه بندی چالش های موجود در روند خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور براساس مدل PEST». مجله مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۴، صص ۵۷۵-۵۹۳.
- سلطان حسینی، محمد؛ رضوی، سید محمدجواد و سلیمی، مهدی. (۱۳۹۶). «شناخت و اولویت بندی موانع خصوصی سازی صنعت ورزش فوتبال در ایران با رویکرد آنالیز چندمعیاره و کپلند». مجله مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۹، شماره ۴۱، صص ۱۵-۳۶.
- طالب پور، مهدی؛ میرزازاده، زهراسادات؛ شجاع، کیانوش و علیزایی، عمر. (۱۳۹۷). «تحلیل شکاف فرایندهای اصلی سرمایه انسانی در اداره کل ورزش و جوانان خراسان رضوی». فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع). سال دهم، شماره ۴، صص ۱۵۹-۱۸۴.
- عالی پور، زهره. (۱۳۸۵). «فعالیت های خصوصی سازی در ایران گذشته، حال و آینده». مجموعه مقالات همایش ملی سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، صص ۲۶۳-۲۸۳.
- علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «تحلیل موانع پیاده سازی سیاست های کلی اصل ۴۴ در ورزش حرفه ای جمهوری اسلامی ایران». رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، صص ۱۲-۳۳.
- علی دوست قهفرخی، ابراهیم؛ جلالی فراهانی، مجید؛ گودرزی، محمود و نادران، الیاس. (۱۳۹۲). «تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه ای ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۷۹-۹۶.
- عسکرزاده، مریم و حیدرناژاد، صدیقه. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در ورزش استان خوزستان. مطالعات مدیریت ورزشی». دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۶۱-۷۴.
- عسکریان، فریبا و صدقی، شبنم. (۱۳۹۳). «بررسی موانع سرمایه گذاری خصوصی در ورزش استان آذربایجان شرقی». مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۳، شماره ۱، صص ۶۹-۸۱.

- قره خانی، حسن؛ سیف پناهی، جبار و فولادی حیدرلو، شهرام. (۱۳۹۴). «طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران». فصلنامه مدیریت راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۵۵-۶۶.
- قره خانی، حسن؛ احسانی، محمد؛ کوزه چیان، هاشم؛ خیبری، محمد؛ فولادی، سودابه و نوبخت، فرزاد. (۱۳۹۰). «بررسی مهم ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران». شماره ۹، صص ۱۲۵-۱۳۸.
- کاشف، میرمحمد؛ جعفری، علی محمد و احمدی، اژدر. (۱۳۸۷). «بررسی موانع و مشکلات موجود در رابطه با اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه های خصوصی شهر اصفهان». چکیده مقالات ششمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی کیش، صص ۱۴-۱۷.
- کشاورز، لقمان، فراهانی، ابوالفضل؛ موسوی جهرمی، یگانه و فرازیانی، فاتح. (۱۳۹۴). «عوامل تاثیر گذار بر رفتار بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در ورزش حرفه ای و ارائه الگو». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۵-۵۶.
- کشکر، سارا و سلیمانی، مجتبی. (۱۳۹۱). «نقش برنامه خصوصی سازی بر توسعه ورزشهای همگانی از دیدگاه کارشناسان». پژوهش های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش. دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۹-۱۰۴.
- کریمی، جواد و عباسی، همایون. (۱۳۹۶). «تبیین رابطه یادگیری سازمانی و مدیریت دانش با تفکر استراتژیک در کارشناسان وزارت ورزش و جوانان ایران». مطالعات مدیریت رفتار ورزشی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۱-۲۸.
- محرم زاده، مهرداد؛ غایب زاده، شهرروز و توکلی انگوت، سخاوت. (۱۳۹۴). «بررسی چالش های اجرایی خصوصی سازی اماکن ورزشی در ورزش شهرستان ها». پژوهش های معاصر در مدیریت ورزشی. سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۷۳-۸۴.
- محمدی مغانی، حجت و قره خانی، حسن. (۱۳۹۷). «طراحی و تبیین مدل نقش اقتصادی دولت در فرآیند خصوصی سازی ورزش ایران». مجله مدیریت ورزشی. دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۳۶۷-۳۸۵.
- محمدی مغانی، حجت؛ کاشف، سیدمحمد؛ هنری، حبیب و قره خانی، حسن. (۱۳۹۵). «تحلیل عاملی نقش سیاسی دولت در اجرای سیاست خصوصی سازی صنعت ورزش». رویکردهایی نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۶۱-۷۲.
- محقق، محمدجواد. (۱۳۸۹). «الزامات خصوصی سازی و تجربه خصوصی سازی در برخی کشورها». جهان خصوصی سازی، شماره ۱، صص ۱۰-۲۲.
- مند علیزاده، زینب و هنری، حبیب. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اثرگذار بر کارآفرینی در ورزش به عنوان حوزه ای میان رشته ای». فصلنامه میان رشته ای در علوم انسانی. دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- مرادی چالشتری، جواد؛ مرادی، محمدرضا؛ نوروزیان قهفرخی، سهیلا و جعفری، اکرم. (۱۳۹۲). «بررسی موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران». مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۸). «چالش‌ها و الزامات خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی». مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. صص ۱۴۳-۱۶۳.
- مهدوی، عبدالحمید. (۱۳۸۳). «بررسی فرایند خصوصی‌سازی در توسعه ورزش کشور و روش‌های آن». سازمان تربیت بدنی، مرکز ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور. صص ۲۴-۵۶.
- نصیرزاده، عبدالمهدی و رضایی، شمس‌الدین. (۱۳۹۷). «ضرورت تجزیه و تحلیل محیطی (SWOT) واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران (مطالعه موردی: باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس)». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۱۵.
- نادریان جهرمی، مسعود و مصلحی، لیلا. (۱۳۹۴). «بررسی ابعاد اجتماعی خصوصی‌سازی نهاد ورزش (مورد مطالعه: اماکن ورزشی خصوصی شده شهر اصفهان)». پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. دوره ۷، شماره ۴، صص ۲۳-۳۲.
- نوغانی دوخت بهمنی، محسن و میر محمد تبار، سیداحمد. (۱۳۹۶). فراتحلیل: مبانی و کاربردها. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۲). راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی. تهران: انتشارات سمت
- Bainbridge, S., & Ayub, A. (2017). "How Saudi Arabia plans to privatise its sports teams". Available at: <https://www.lawinsport.com/articles/item/howsaudi-arabia-plans-to-privatise-its-sports-teams> [Accessed 17 May 2017].
- Beltratti, A., Bortolotti, B., Caccavaio, M. (2016). "Fiat Privatization: "The Non-Tradable Share Reform and Stock Market Fundamentals in China". Bocconi University.
- Dick, We, Olivier, Fe. (2010). "Step-by-step privatization, methods and samples". Translated by Management Studies and Planning. Etrat Publishing, Spring Print.
- Gardam, K., Giles, A. R., & Hayhurst, L. M. C. (2017). "Understanding the privatisation of funding for sport for development in the Northwest Territories: A Foucauldian analysis". International Journal of Sport Policy and Politics, 9(3): 541-555.